

«ولگردهای دارما» در نمایشگاه کتاب

فرید قدیمی در گفت‌وگو با آرمان از انتشار ترجمه رمان «ولگردهای دارما» نوشته جک کرواک در نمایشگاه کتاب پیش رو خبر داد. جک کرواک از نویسندگان مشهور نسل بیت است که پیش از این نیز مجموعه‌هایکوهای او توسط فرید قدیمی ترجمه و تحت عنوان «هایکوه‌های آمریکایی» منتشر شده‌بود. «ولگردهای دارما» زمانی است در سی‌وچهار فصل که در سیدصد صفحه و توسط نشر روزنه به بازار کتاب عرضه شده‌است.
فرید قدیمی در باره «ولگردهای دارما» به بازار کتاب «دارما» دومین رمان مشهور جک کرواک است که در سال ۱۹۵۸ منتشر شد و تأثیر بسیار زیادی بر جوانان آمریکایی گذاشت، طوری که خیلی از آن‌ها تحت تأثیر خواندن این رمان کوله‌هاشان را برداشتند و راهی سفر در جاده‌ها و کوه‌ها شدند. قدیمی همچنین در گفت‌وگو با آرمان اضافه کرد: «مان در جاده کرواک که نخستین رمان مشهورش بود و بلافاصله او را به شهرت رساند، متعلق به دوره آنازیستی کرواک و رفاقتاش با نیل کسدی است، اما ولگردهای دارما که دو سال پس از جاده نوشتن شده، مال دوره بودیستی کرواک است که در آن دوره خیلی تحت تأثیر دوست شاعرش گری اشتاینر بود. آلن گینزبرگ و گری اشتاینر از چهره‌های اصلی رمان ولگردهای دارما هستند و نیل کسدی هم چندجایی در طول رمان پیدایش می‌شود. جالب است که سرآغاز این رمان توصیف سرآغاز رنسانس سن فرانسیسکو است، یعنی همان‌شبی که آلن گینزبرگ شعر مشهور زوزه‌اش را می‌خواند و ادبیات نویی در همان شب متولد می‌شود که به تمامی چهره ادبیات مدرن آمریکا را زیرورو می‌کند.»
فرید قدیمی به گواه ترجمه‌هایی که از او منتشر شده برگزارترین مترجم ایرانی در حوزه ادبیات نسل بیت است که پیش از این آثار مهم نسل بیت را ترجمه و منتشر کرده و چندین مقاله نیز برآمون آن‌ها نوشته است؛ که شعر «زوزه» از آلن گینزبرگ به همراه مهرداد فلاح (نشر آفرینش، ۱۳۸۸)، ترجمه کتاب «امریکایی‌ها» حاوی شعرهایی از آلن گینزبرگ، جک کرواک، چارلز بوفسکی و ریچارد بروتیگان (نشر آفرینش، ۱۳۸۷)، ترجمه کتاب «هایکوه‌های آمریکایی» از جک کرواک (نشر آفرینش، ۱۳۸۸) و ترجمه کتاب‌های «بیابچه‌ای بر یک یادداشت خودکشی بیست جلدی» و «یکسی آمریکا را به باد داد» از امیری باراکا (نشر ایران، ۱۳۹۰). این نویسنده و مترجم درباره ترجمه آثار نسل بیت در ایران می‌گوید: «نسل بیت تحول بزرگی در ادبیات مدرن ایجاد کرد و آثار خیلی مهمی هم به جا گذاشت. از چهره‌های مشهورتری مثل ویلیام باروز و گینزبرگ و کرواک بگزیدت تا چهره‌هایی که به نوعی تحت عنوان جنبش بیت شناخته می‌شوند و خیلی تحت تأثیر مخصوصا کرواک بودند مثل ریچارد بروتیگان و چارلز بوفسکی و امیری باراکا که این آخیری به خصوص تحت تأثیر گینزبرگ است و امروز هم یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین شاعران آمریکاست. مترجم‌های زیادی در ایران سراغ ترجمه آثار نسل بیت رفتند که من کار خیلی‌هاشان را دوست دارم واقعا. اما متأسفانه چیزی که در این چند سال اخیر به شدت باب شده، ترجمه چندباره کارهایی است که قبلا هم ترجمه شده. مثلا همین کرواک کلی ترجمه دارد که من از آن همه،هایکوه‌هاش را ترجمه کرده‌ام تا آن موقع کسی ترجمه نکرد بود. اما ترجمه محض منتشر شدن «هایکوه‌های آمریکایی» یکدفعه همه به مترجم‌هایکوه‌های کرواک بدل شدند، در حالی که کرواک این همه شعر ترجمه نشده دارد. در مورد «زوزه» هم همین‌طور. فکر می‌کنم الان نزدیک به نیم میلیون نفر مدعی ترجمه شعر «زوزه»اند. خوب، آدم سوال می‌کند که چرا کسی سراغ ترجمه شعرهای دیگر گینزبرگ نمی‌رود؟
من الان در حال ترجمه شعر «کلدیش» گینزبرگ هستم که تا حالا ترجمه نشده. اما حالا ببینید، سال بعد که «کلدیش» هم مثل زوزه منتشر شود، ناگهان همه بدل به مترجم «کلدیش» می‌شوند. در مورد کارهای دیگر هم همین اتفاق افتاده که واقعا آدم نمی‌داند باید چه واکنشی نشان بدهد، جز سکوتی آمیخته با لبخند.»

نکته

ادبیات داستانی در نقاهت

فیروز نوزوی جلالی معتقد است، ادبیات داستانی ایران در سال ۹۱ در نقاهت به سرس برد و اندک آثار قابل توجه موجود در این سال هم حاصل یک اتفاق خاصی در نویسنده بود و نه جریان ادبی موجود در کشور.فیروز نوزوی جلالی در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه ادبیات داستانی ایران را در سال ۹۱ منفعل بیان است،گفت: در یک جمع‌بندی به نظم ادبیات داستانی سال ۹۱ چنگی به دل ن‌زد. من در آن نوعی تعلیق دیدم و این یعنی یک کار شگ دانگ قائم به خود و خلافات از سوی هیچ نویسنده‌ای امسال ارائه نشد یا لافل بسیار کم ارائه شد.نویسنده تقدیر شده در جایزه ادبی جلال‌آل‌احمد افزود: آثار موفق ادبی سال‌جاری اگر هم موفق بودند، هیچکدام حاصل یک فرآیند نبود و همه قائم به فرد نوشته شده بود. این یعنی ادبیات ما هنوز بر پایه اتفاقات در حال شکل‌گیری و حرکت است و نه یک پرورش و پیدایش نویسنده کتاب «قاعده بازی» ادامه داد: به نظر ادبیات داستانی امسال هم در اثره دوره نقاهت به سر می‌برد.نویسندگان هم به تیح آن چندان دل و دماغ نوشتن نداشتند و این تأثیر حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن ادبیات ماست:نوزوی با اشاره به مساله گرانی کاغذ در سال‌جاری افزود: مسلم است که نویسنده و ناشر با یکدیگر بدنه بوستانه‌هایی دارند و اگر کار یکی لنگ برزد کار دیگری هم می‌لنگد. نویسنده اسامل هم مانند هر سال دیگری، دوست داشت کارش منتشر شود و وقتی این اتفاق نمی‌افتاد، مایوس می‌شد و ناشر هم دائما چشم به بازار داشت که ببیند چه نوع چندان دل انتشار کتاب به صرفه است. مثال این موضوع خود من هستم که چاپ پنجم رمانم با وجود ویرایشی که شده ۱۱ ماه است در انتظار چاپ است.وی افزود: نویسنده به معنی واقعی، تحت هر شرایطی کار خودش را می‌کند. متن نمی‌توانم بگویم که بحران کاغذ منجر شد که نویسندگان ما دست از نوشتن برندارند اما شک ندارم که این وضعیت قلم نویسندگان ما را به کندی انداخت:نوزوی تأکید کرد: آنچنم در این موجودی ادبیات داستانی در سال‌جاری خواندم انتظاراها بر نی‌آورد. حسن شخصی من این بود که در اوایل دهه ۸۰ شاهد اتفاقات بهتری بودیم. شرایط هم نشان می‌دهد که این اتفاق باید ظاهرا در سال آینده هم ادامه پیدا کند هر چند که امید دارم اینگونه نباشد.

رضا امیرخانی در نمایشگاه کتاب آینده اثر جدیدی عرضه نمی‌کند، اما چاپ تازه کتاب‌هایش در نمایشگاه عرضه می‌شود. این نویسنده درباره کتاب‌هایی که سال آینده در بیست‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌کند، به ایسا، گفت: در نمایشگاه کتاب جدیدی ندارم و تجدید چاپ کتاب‌هایم عرضه می‌شود. در حال حاضر، چاپ هشتم رمان «قیدار»، چاپ سی‌وهفتم رمان «من او»، چاپ بیست‌وچهارم رمان «ارمیا»، چاپ هشتم کتاب «فحاح‌تفت» و

گزارشی بر اختتامیه جایزه پروین

چستا یثربی: گویا آمده‌ام که فقط کف بز نم!

هادی حسینی‌نژاد



پنجمین دوره از جایزه ادبی پروین اعتصامی؛ عرضه دوشنبه بیست و یکم به کار خود خاتمه داد، مراسم اختتامیه این دوسالانه با حضور مسئولان فرهنگی هنرمندان در پژوهشگاه هنر و معماری برگزار شد و برگزارگان تقدیر شدند. سیدمحمد حسینی؛ وزیر ارشاد-ست در این مراسم، ضمن تجلیل از جایگاه فرهنگی و ارزشی پروین اعتصامی گفت: «اگر بگویم مشهورترین و بزرگترین شاعر زن ایران، پروین اعتصامی است، سخن گرافیک‌نگفته‌ایم. او در دورانی رشد کرد که رضاخان قلدر که هیچ پویی از فرهنگ نبرده و از دانش بهره‌ای نبرده بود، حکومت می‌کرد و شخصیت‌های ارزشمندی نظیر پروین را درک نمی‌کرد. اما بعد از تحولی که در کشورمان رخ داد، جایگاه مناسبی برای زنان ایجاد شد و روز به روز تعداد زنان موفق در حوزه‌های مختلف دانش و فرهنگ افزوده شد. امید است با برنامه‌ها و مناسباتی همچون این جشنواره، شاهد رشد دهه‌ها پروین در زمانه خود باشیم.» وی در پایان سخنانش افزود: «با توجه به رشد جایزه بیست و یک ساله پروین در کشورهای مختلف، تعداد زنان موفق در حوزه‌های مختلف دانش و فرهنگ پروین مشهود است، حتی جا دارد که زین پس این جایزه به جای دوسالانه بودن، همه ساله برگزار کرد. آمارها پرداخت، مطابق با سخنان وی، در دوره پنجم ۹۰ را در بخش‌های داستان، شعر، ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات نمایشی و ادبیات پژوهشی مورد نظر داشته، ۶ هزار و ۷۰۱ اثر به دبیرخانه ارائه شده که با کار ۳۲۰ داوری، نهایتا ۱۶ اثر در گرایش‌های مختلف، برگزیده شدند. این در حالی است تعداد آثار ارائه شده نسبت به دوره چهارم، ۲۰ درصد افزایش داشته است. حمیدزاده همچنین از دقت نظر در کار داروان و کیفیت برگزاری دوره پنجم تجلیل کرد. علی اسماعیلی؛ معاون فرهنگی وزارت ارشاد، یکی دیگر از سخنرانان در مراسم اختتامیه جایزه پروین بود. وی ضمن اشاره به کاستی‌ها در حوزه اعتبارات سال ۹۱ اظهار داشت: «خوشبختانه مشکلات موجود مانعی بر فعالیت‌های فرهنگی ما در سالی که گذشت ایجاد نکرد و توانستیم برنامه‌های از پیش تعیین شده را محقق کنیم و در این راستا؛ آخرین برنامه جایزه پروین بود. وی افزود: از بهتریین جایزه پروین مطالبه: اما این اتفاق هم رخ نداد. این در شرایطی بود که سخنرانان دیگر نیز در متن سخنرانی خود، اطلاعات تازه و قابل توجهی درمورد شخصیت و زندگی بانوی شعر ایران ارائه ندادند. جالب است که عمده اطلاعات ارائه شده، در کتاب «پروین اعتصامی» نوشته دکتر حدادعادل که فقط ۳۰ صفحه از آن به زندگی پروین اشاره دارد) موجود است. بر این اساس در حاشیه این مراسم، از چستا یثربی:برنده اولین دوره جایزه پروین در بخش ادبیات گویا بز دور از تنگ نظری‌ها، نگاه‌های سوداگرانه و اهداف شخصی‌سپر آثار داوری کنند. حال آنکه متأسفانه در برخی از جوایز نگاه‌های شخصی یا با کمال تأسف؛ سطه مطبوعات حرف آخر را می‌زند.» نژادحسن همچنین درمورد وضعیت ادبیات زنان طی دوره‌های اخیر، افزود: «در ادبیات داستانی، بعد از زنده یاد مسیمین دانشور که ادبیات منثور ما را به عنوان

فرهنگ جامعه است وی‌تواند در عرضه‌های جهانی فرهنگ و تاریخ کشورمان را مطرح کند. جوایز ادبی؛ چه رسمی باشند و چه غیررسمی می‌توانند تأثیرات ارزنده‌ای را در رشد و تعالی ادبیات ما داشته باشند.

اما تمام این اتفاقات تنها به شرایطی میسر می‌شوند که جوایز به دور از تنگ نظری‌ها، نگاه‌های سوداگرانه و اهداف شخصی‌سپر آثار داوری کنند. حال آنکه متأسفانه در برخی از جوایز نگاه‌های شخصی یا با کمال تأسف؛ سطه مطبوعات حرف آخر را می‌زند.» نژادحسن همچنین درمورد وضعیت ادبیات زنان طی دوره‌های اخیر، افزود: «در ادبیات داستانی، بعد از زنده یاد مسیمین دانشور که ادبیات منثور ما را به عنوان

مسعودلک در گفت‌وگو با آرمان:

تبلیغات عمومی

هم استر اثری است و هم تاکتیک



فرهنگ گذاشت مالی در حدی نیست که امکان تبلیغات در حدی مناسب کرده‌است اما هنوز تبلیغات اثری شد

برای تبلیغات وجود دارد؟
حرف درستی است. تبلیغات به شدت هزینه بردار است و در بسیاری از موارد هم در کوتاه مدت پاسخ نمی‌دهد. اما نبود تبلیغات مناسب برای فرهنگ یک ضایعه است. به هر حال ما باید بررسی کنیم که برای معرفی تولیدات مان چه کرده‌ایم و چه پاسخی از جامعه گرفته‌ایم؟ به عنوان مثال برای من همیشه این سوال است که چطور می‌شود یک ناشر یا تجربه نتواند ۱۰۰۰ نسخه کتاب یک نویسنده حتی معروف را بفروشد؟ نمی‌شود برای این فروش حقیقر برنامه داشت؟ بقیه حوزه‌های ما هم همین‌ست و تنها تولید است و برنامه‌ای برای پیش و پس از تولید وجود ندارد؟بازاریابی و تبلیغات محصولات فرهنگی یک الزام برای بقای فرهنگ است.

شما الگویی خاصی برای تبلیغات و فروش محصولات فرهنگی در نظر دارید؟

تبلیغات امروز برای هر محصولی با سال‌های گذشته تفاوت کرده است. رسانه‌های نو به شدت افزایش پیدا کرده‌اند و ما وارد عصر شهروند رسانه شده‌ایم. رسانه‌های کوچک و ارزان شکل گرفته‌اند و شبکه‌های اجتماعی کارکردشان بسیار بالا رفته‌است. امروز فناوری در خدمت

چاپ سی‌وهفتم «من او»ی رضا امیرخانی

چاپ هفتم سفرنامه «جانستان کابلستان» در نشر اقق زیر چاپ است. رضا امیرخانی زاده ی سال ۱۳۵۲ در تهران است و در دانشگاه صنعتی شریف مهندسی مکانیک خوانده است. از میان آثار این نویسنده به «ارمیا»، «ناصر ارمنی»، «من او»، «باز به»، «سر لوحه‌ها»، «یوتن»، «داستان سیناست»، «ششت نشا»، «بیوتن»، «سرو کوحا»، «فحاح تفت»، «جانستان کابلستان» و «قیدار» می‌توان اشاره کرد.

چاپ سی‌وهفتم رمان «من او»ی رضا امیرخانی

دلم می‌خواست در این مراسم، مطالبی را در مورد پروین و آثارش بگویم، اما در حاشیه برگزاری مراسم اختتامیه پنجمین جایزه پروین اعتصامی، حضور چستا یثربی؛ نویسنده، شاعر و نمایشنامه نویس شناخته شده در ردیف میهمانان ویژه، جالب توجه بود. چراکه چستا یثربی معمولا در مراسم خاصی شرکت نمی‌کند، حتی در اختتامیه جشنواره‌های فیلم و تئاتر فجر و برای دریافت جوایزش. همان‌طور که می‌دانید فارغ از آثار اخیر این هنرمند؛ یعنی مجموعه نمایشنامه‌های «بری خوانی عشق و سنگ» که سه نمایشنامه «بری خوانی عشق و سنگ» (تحسین شده در جشنواره تئاتر فجر در سال گذشته)، «با صحرا بخوان بی‌صدا» و «جریره؛ همسر سیاوش» را شامل می‌شود و در سال ۹۰ توسط سوره مهر به بازار آمده، و مجموعه شعر «به جای کلمات من نشتسته‌ای» که در ۴۵۰ صفحه در سال ۸۹ توسط نکا منتشر شده، چستا یثربی امتیاز ویژه‌ای در تناسب با عنوان این جایزه؛ یعنی «پروین اعتصامی» دارد:وی در سال گذشته نمایش چنگیزخان را در سه اپیزود روی صحنه برد که اپیزود سوم آن، روایتی بود از روند خلاقیت و مرگ پروین اعتصامی. اجرای این اپیزود تاثیرگذار (به همراه دو اپیزود دیگر) مورد استقبال تماشاگران حاضر در سالن قرار گرفت و تماشاگران در صحنه مرگ پروین، اشک ریختند. بر این اساس؛ پیش‌تر از خبر را شنیدیم که از چستا یثربی خواسته شده تا اپیزود پروین اعتصامی را در مراسم اختتامیه جایزه پروین روی صحنه برد. حتی یثربی به دلیل منغله‌های حرفه‌ای آنا نعمتی –تارنگر نقش پروین اعتصامی– در صدد بود تا بازیگر دیگری را جایگزین کند. اما این اتفاق نیفتاد و این نمایش در اختتامیه روی صحنه نرفت. داخل پرانتز بگویم که چستا یثربی پیش‌تر از این‌ها نیز در نمایشنامه‌هایش به زندگی شاعرانی نظیر رابعه، میزاده عقی، عارف قزوینی، سیلوپایلات و لورکا پرداخته است. اما مساله بعدی که در ارتباط با موضوعیت جایزه پروین نیز هست، این است که چستا یثربی مدت‌هاست مشغول نگارش کتابی است که در آن به زندگی سه شخصیت فرهیخته تاریخ ایران؛ یعنی امریکیز، سپه‌روردی و پروین اعتصامی پرداخته می‌شود. بنابراین به دلیل دامنه تحقیقات گسترده ایشان درخصوص زندگی پروین اعتصامی، به نظرمی‌رسید یکی از سخنرانان مراسم اختتامیه جایزه پروین مطالبه: اما این اتفاق هم رخ نداد. این در شرایطی بود که سخنرانان دیگر نیز در متن سخنرانی خود، اطلاعات تازه و قابل توجهی درمورد شخصیت و زندگی بانوی شعر ایران ارائه ندادند. جالب است که عمده اطلاعات ارائه شده، در کتاب «پروین اعتصامی» نوشته دکتر حدادعادل که فقط ۳۰ صفحه از آن به زندگی پروین اشاره دارد) موجود است. بر این اساس در حاشیه این مراسم، از چستا یثربی:برنده اولین دوره جایزه پروین در بخش ادبیات گویا بز دور از تنگ نظری‌ها، نگاه‌های سوداگرانه و اهداف شخصی‌سپر آثار داوری کنند. حال آنکه متأسفانه در برخی از جوایز نگاه‌های شخصی یا با کمال تأسف؛ سطه مطبوعات حرف آخر را می‌زند.» نژادحسن همچنین درمورد وضعیت ادبیات زنان طی دوره‌های اخیر، افزود: «در ادبیات داستانی، بعد از زنده یاد مسیمین دانشور که ادبیات منثور ما را به عنوان

خود نیاز به دستگاه‌های عریض و طویل و رسمی ندارند و از طریق رسانه‌های عمومی در سطوح مختلف قدرت نمای می‌کنند. ما برای محصولات فرهنگی هم باید این رویکرد را دنبال کنیم و ویرای تبلیغات به دنبال الگویی عمومی و کوچک باشیم.

نشست‌های نقد و بررسی، حضور در شبکه‌های اجتماعی و کارهای متفاوت تبلیغاتی از سوی هنرمندان انجام می‌شود اما باز بازار فرهنگی حال و روز خوشی ندارد؟
مشکل اینجاست که این حضور علاوه بر ناکافی بودن، هوشمندانه و حرفه‌ای نیست. اغلب حضور هنرمندان ما در شبکه‌های اجتماعی با هیجان‌های کاذب است، تعقل و صبوری در نقد آثار در شبکه‌های اجتماعی وجود ندارد. نشست‌های اجتماعی ما برای نقد و معرفی آثار هم همین مشکل را دارند و تیزهوشی برای معرفی و نقد وجود ندارد. در واقع آثار تبلیغات عمومی به خاطر برخی دیدگاه‌های شخصی و غیرکاربردی پایین است، ما استفاده مطلوب و موثری از شبکه‌های اجتماعی نمی‌کنیم. گفت‌وگو در این فضاها شکل نگرفته است و نوعی حمله و عصبانیت به همدیگر وجود دارد، اخلاق برای تبلیغات در فضا‌های عمومی به شدت لازم است که ما از این نظر وضعیت مناسبی نداریم.

یعنی یکی از عوامل شکل نگرفتن بازار مناسب تبلیغاتی، مربوط به نگاه حذی می‌باشد؟
نمودگفت‌وگو، آستانه تحمل پایین و قبول نداشتن دیدبگر در جامعه فرهنگ ما دست‌کمی از سایر جوامع ندارد، بیشتر وقت هنرندان صرف پاسخ و حاشیه‌هایی می‌شود که در خود حلقه هنرمندان و منتقدان ایجاد می‌شود. در واقع خالق اثر فرصتی برای ایجاد سازمان رسمی برای تبلیغات داریم.

تبلیغات آمده است و همین کار تبلیغات را برای رشد اقتصاد فرهنگی مناسب کرده‌است اما هنوز تبلیغات اثری شد
از این ظریف‌ها نمی‌کنیم و چشم به ابر رسانه‌ها و قدرت رسمی برای تبلیغات داریم.

تبلیغات عمومی برای محصولات خاص امکان‌موفقیت دارد؟
جهان امروز برخلاف گذشته به شدت در حال دوری از قدرت رسمی و فریه شدن جامعه عمومی است. به این معنا که امروز حتی نهادها برای بیان دیدگاه

سران واژه‌ها

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۱ / شماره ۲۱۴۹

ادبیات

زبان و میل سیاسی

مجتبی کلتسی

در کتاب «امپراتوری اسطوره‌ها و تصویر غرب» (نوشته مجید ادیب‌زاده، نشر ققنوس، ۱۳۹۱) همان‌گونه که از عنوان فرعی آن نیز پیداست، «با بهره‌گیری از مفاهیم میل سیاسی، میل به مقاومت، فرهنگ مقاومت، کهن‌الگو مرین و تمسیر ناخودآگاه جمعی، جنبه‌های آشکار و پنهان یا خودآگاهانه و ناخودآگاهانه باز‌نمایی از غرب در گفتمان ادبی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۳۲ مورد تحلیل روانکاوه قرار گرفته‌است.» بنابر این، مقصود عمده کتاب این است که با توسل به سه مفهوم اصلی «گفتمان، زبان و بازنمایی ایزه بیگانه» گفتمان ادبی متعدد و نیز تصویر ایرانیان از غرب در دهه‌های سی تا پنجاه‌ها واکاوی و تحلیل شود. در مقدمه، واژه گفتمان همچون «همچون واژگان سخن، نظم گفتار، متن، زبان، کنش گفتار و کردگفتاری» تعریف شده است و در معنای بسیار مبسوط که تاحدودی مفهوم فوکویی گفتمان را هم‌ارز ایده‌نولوژی در نظر به مارکسیستی تلقی می‌کند، نوشته می‌شود که «گفتمان به شیوه‌ای از متن و گفتار بازمی‌گردد که از زاویه دیدی خاص به تجربیات ما معنا دهد.» هر چند پیش‌تر به دو خصلت سانه‌زنبودن و برساخته‌بودن گفتمان نیز اشاره شده است. از این رو، در این کتاب گفتمان برابر است با «کاربرد زبان، متن و گفتار» و نویسنده به‌دستی اشاره می‌کند که زبان با میل سیاسی که هم میل به اعمال قدرت و هم میل به مقاومت در برابر اعمال قدرت است، پیوندی تنگاتنگ و ناگسستی دارد و به زبان به‌منزله امری سیاسی نگاه می‌کند. بدین سان، درغناغه اصلی روانکاوی گفتمان ادبی فهم این مساله معرفی می‌شود که چگونه سیاست‌زدایی قدرت سلطه‌گر پهلوی سبب ایجاد میل سیاسی برای مخالفت با وضع موجود در فضای فرهنگی ایران می‌شود: «از طریق سرکوب میل سیاسی نیروهای اجتماعی… فضای فرهنگی غیرسیاسی یعنی حوزه‌های مدنیت اجتماعی همچون عرضه هنر و ادبیات و به‌خصوص مجلات ادبی هنری دهه ۱۳۴۰ تبدیل به یکی از مهم‌ترین ضده نظمه قدرت و مقاومت در برابر وضعیت سرکوب شد.» پس گفتمان ادبی متعد حاصل میل سرکوب‌شده‌های است که به صورت میل مقاومت درآمده است. نویسنده برای فهم عناصر بیگانه‌ستیزی و نحوه باز‌نمایی مغفلوب از غرب به‌منزله ایزه بیگانه به ادبیات و واکاوی آن روی آورده است زیرا «هتن ادبی مناسب‌ترین متن برای بازیابی ویژگی‌های ناخودآگاه جمعی در روانکاوی فرهنگی است.» از این رو باید گفت که برای تحلیل گفتمان ادبی متعد نوعی روش تحلیل بنیامنتی به کار برده شده است تاخودآگاه جمعی و کهن‌الگوهای این گفتمان بازایابی و بازشناسی شوند. نویسنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که «امر سیاسی در پرتو نظریات پسافرویدی لکان و دلوز گناری معنای تازه‌ای پیدا می‌کند و در مفهوم میل با‌ترغیف می‌شوند»، اما اساساً به نظر به‌های پسافرویدی مورد اشاره خود استناد مستقیم نمی‌کند، به‌جز وام‌گرفتن برخی واژگان مثل ایزه و ایزه بیگانه و نظمه دلالتی زبان، درمقالی، او به برخی واژگان یونگی و نقدهای اسطوره‌ای ادبیات و فرهنگ متوسل می‌شود که با موضوع پسااستراکرا و فوکویی که او مفهوم گفتمان را از آن‌جا اخذ کرده بود موضوع پسافرویدی و لکانی که او مفاهیم ایزه بیگانه یا ایزه امل را از آن اخذ کرده، سازگار نیست و حتی با بن‌مایه‌های نظری تحلیل بنیامنتی مورد نظر نویسنده نیز نمی‌خواند. در این جا به دو نکته اشاره می‌کنیم. نخست این‌که عمده نظریه‌های پسااستراکرا در تحلیل متن ادبی یا اساسا هرگونه متنی چندان به مؤلف توجه نمی‌کند، زیرا با آن‌کا به نظریه مرگ مؤلف در پی مرکز‌دایی از هرگونه ادبیات و معنای قطعی و نهایی در متن گفتمان نویسنده آن‌که اندکان می‌کند که «نظام معنایی مشترک و بنیامنتی در متن‌های ادبی اعم از داستان، رمان و شعر، کلید اصلی ما در بررسی مساله باز‌نمایی از غرب است.» از این متن و متن‌های ادبی فراتر می‌رود و نه تنها به ادبیات با اظهار نظری‌ها قلمرو آن از «شعرا و نویسندگان» نهایی در فهم معنای مورد نظر خود به مؤلف و رفتار و گفتار او نیز استناد می‌کند. دوم این‌که نظریه‌های پسااستراکرا غالیا با تاریخ و هرگونه هویت ثابت غیر تاریخی و غیر زمان‌مند سرزناساگاری دارند و این ناسازگاری عمده‌ا ثانرا خود را با مخالفت با استناد و تعریف و غیر زمانمند آن از گفتمان و هویت انسان معاصر می‌بازساند، با وجود این، نویسنده به ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها که از بنیاد، مفاهیمی غیر تاریخی و غیر زمان‌مند هستند، توسل می‌جویدمی‌نویسد: «کهن‌الگوها صرفا فایده‌های کلان فرهنگی نیست، بلکه نهاد‌های اجتماعی و پدیده‌های هویتی جمعی بوده‌اند و به‌سبب تاریخ نیز به‌شمار می‌رود. کهن‌الگوها به‌منزله ساختارهای از پیش تعیین‌شده خودآگاهانه و ناخودآگاهانه جمعی برای کنش در نظر گرفته‌شده‌است.» هر مغم و خود برخی کاستی‌های نظری در کتاب «امپراتوری اسطوره‌ها و تصویر غرب»، ماهیت تحلیل‌های ادبی و فرهنگی آن همچنان جذاب و درخشان هستند. مقصد و مقصود اصلی این تحلیل ما طرحی است که نقد ادبی را به نقد فرهنگی و نهایتا مطالعات فرهنگی پیوند می‌دهد. تحلیل برخی اسطوره‌ها (البته منظور من معنایی است که رولان بارت از اسطوره مراد می‌کند) مثل شب و ابستگی و برخی استعاره‌های فرهنگی و ادبی نظیر ماشین و بیگانه و همچنین دریافت برخی دیدگاه‌های آخر الزامی موجود در متون ادبی نظیر از خودبیگانگی و انتظار بازگشت، کتاب آقای ادیب‌زاده را به نقدی مهم و جدی تبدیل کرده است. حتی این کاستی‌های نظری به اساس پروژه کتاب لطمه‌ای وارد نمی‌کند. مثالا اگر اسطوره را در معنای مورد نظر رولان بارت دریافت‌کنیم یا در عوض کهن‌الگوها و ناخودآگاه جمعی بپذیریم، عناصر تکرار شونده را برای واکاوی ساختارهای تکرار شونده در نظر بگیریم، نقدها و تحلیل‌های کتاب موجب جلوه خواهند کرد و حاصل کتاب درباره بیگانه‌راسی و بیگانه‌ستیزی پذیرفتنی تر می‌شود: «آن‌چه این اثر به تصویر می‌کشد، همان درک از غرب به منزله ایزه بیگانه توسط سوزه‌های ادبی یک دوره تاریخی و بازتاب آن در فرهنگ و ادبیات ایران مدرن است.»

دیچه

۳ پیشکسوت قصه‌گویی تحلیل شدند

دومین جشنواره مادران قصه‌گو شهر تهران با معرفی ۴۳ مادر قصه‌گو و همچنین ۶ نفر برگزیده نهایی در بخش مقدماتی و تخصصی قصه‌گویی و با تحلیل از حجت‌الاسلام راستگو، عذرا وکیلی و محمدرضا سرشار برگزار شد. دومین جشنواره مادران قصه‌گو با حضور امیر خورکایان، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرضی احمدی، محمود حکیمی، جیتی خامنه، مجید فنابد و جمعی از پیشکسوتان عرضه قصه‌گویی مادران قصه‌گویی تهرانی عصر دوشنبه ۲۱ اسفند در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد. در ابتدای این مراسم جعفر رضیسان زاده دبیر دومین جشنواره مادران قصه‌گو به حضور بیش از ۵ هزار و ۳۰۰ مادر تهرانی در کارگاه‌های مقدماتی و بیش از ۶۸۰ نفر در کارگاه‌های تخصصی کودکان کارگاه‌های تخصصی دوره‌مقدماتی را در نخستین جشنواره برای قصه‌گو گذراند. او بدنه‌ا که از مجموع این دو کارگاه، ۲۴ برگزیده بخش مقدماتی و ۱۹ برگزیده بخش تخصصی در مراسم اختتامیه معرفی می‌شوند. از مجموعه این ۴۳ نفر ۲۲ برگزیده و ۱۹ برگزیده ویژه مادران است و این اقدام که به دست دستگانه‌های رسمی کشور در طول سال‌های گذشته کمتر اتفاق افتاده بود، از سوی مادران محقق شد. در ادامه این مراسم با حضور مرضی احمدی بازیگر و گوینده پیشکسوت، محمود حکیمی، نویسنده و امیر خورکایان از حجت‌الاسلام راستگو، عذرا وکیلی گوینده برنامه سکیم کوچولو و محمدرضا سرشار تجلیل شدند. این بخش مرضی احمدی به بخشی از فعالیت‌های خود در زمینه تألیف، کارگردانی، اجرا و گویندگی برنامه‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان اشاره کرد و گفت: از لطف هیئتگی تمامی مردم ایران سپاسگزارم. در ادامه این مراسم ضمن تجلیل از مادران قصه‌گویی برگزیده مناطق بیست و دوگانه تهران و اجرای برنامه‌های قصه‌گویی از سوی عذرا وکیلی و گروه برنامه سلام کوچولو، کتاب شعر و داستان «ابی، آبی، آینه» تألیف جیتی خامنه رونمایی شد. این کتاب ویژه کودکان و نوجوانان که همت هنرگسرای اندیشه و از سوی موسسه نشر شهر منتشر شده است.